



بایسته‌های توانمندسازی زنان در دوران پساانقلاب اسلامی در پرتو تحلیل اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای

لیلا مهرابی راد^۱، علی محمدیان^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۶

چکیده:

در عصر حاضر سخن گفتن از مسائل زنان و چگونگی توانمندسازی ایشان و تأمین عدالت جنسیتی، گفتمانی رایج و غالب در سطح جوامع متمدن بوده و از آنجا که نیمی از هر جامعه را زنان تشکیل می‌دهند، پرداختن به موضوعات مرتبط با زنان، از اهمیت شایانی برخوردار است. نوشتار حاضر نظر به اهمیت بحث، خاصه از این جهت که تمدن غرب با برکشیدن شاخصه‌هایی که اعتبار آنها محل تردید جدی است، به صورت روزافزون سیطره خود را بر فرهنگ کشورها گسترش می‌دهد، در پژوهشی مسئله‌محور و با کاربست شیوه توصیفی-تحلیلی، بایسته‌ها و لوازم توانمندسازی زنان را در آرای رهبری انقلاب به مثابه مسئول مدیریت کلان جامعه اسلامی مورد مذاقه قرار داده است. رهاورد پژوهش حکایت از آن دارد که سه عنصر کلیدی در باب توانمندسازی زنان در آرای معظم‌له قابل شناسایی و استحصال است: ۱- اجتناب از فرهنگ تبلیغی غرب در زمینه مسائل زنان. ۲- توجه به میراث سترگ دینی و برگرفتن سبک زندگی مؤمنانه با توجه به آموزه‌های قرآن و سنت. ۳- ضرورت رعایت اولویت‌ها در باب مسائل زنان و اهمیت شایان خانواده به عنوان محوری‌ترین کانون نقش‌آفرینی زن مسلمان.

واژگان اصلی: زنان، توانمندسازی، فرهنگ غرب، آموزه‌های اسلامی، مقام معظم رهبری

^۱ مربی، گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول): mehrabirad@pnu.ac.ir

^۲ دانشیار، گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه بزرگمهر قائنات، قائن، ایران.

۱- مقدمه و بیان مساله

در دنیای امروز نقش برجسته زنان در پیشبرد اهداف کشورها و ضرورت حضور آن‌ها در عرصه‌های گوناگون حیات سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... جامعه، بر کسی پوشیده نیست. از آنجا که زنان در بسیاری از کشورها در حدود نیمی از جمعیت فعال جامعه را تشکیل می‌دهند؛ لذا حضور و مشارکت پویای زنان، به نوعی نشان‌دهنده درجه توسعه‌یافتگی یک کشور می‌باشد؛ چه‌اینکه حضور زنان تأثیر به‌سزایی در توسعه و افزایش کمی و کیفی نیروی انسانی داشته و توسعه اجتماعی و اقتصادی یک جامعه تا حد زیادی به نقش زنان در آن جامعه بستگی دارد.

باید اذعان داشت هرچند در عصر کنونی شمار زنانی که می‌توانند در توسعه و ارتقای کشورها نقش ایفا نمایند، رو به افزایش است؛ اما همچنان عدالت جنسیتی برای دسترسی به بازار کار و شرایط کاری در بسیاری از کشورها وجود ندارد. از این رو طبیعی است که یک زن برای حضور در جامعه و استفاده از استعدادها و توانایی‌های خود دچار مشکلاتی گردد. واقعیت این است که بسیاری از شرکت‌ها و سازمان‌های خصوصی، تنها به این دلیل از نیروی زن استفاده می‌کنند که می‌توانند با اندک دستمزد، کارهای خود را به نحو احسن انجام دهند. لذا توجه به آسیب‌شناسی امور زنان، برای توسعه همه‌جانبه کشورها، امری ضروری بوده و لازم است برای تحقق این امر، از جانب سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان تدابیر عاجلی اندیشیده شود.

البته ذکر این نکته نیز ضروری است که ضرورت حضور زن در اجتماع، به معنای نفی نقش برجسته و بسیار پراهمیت ایشان در نهاد خانواده نیست؛ بلکه اصولاً آنچه از مذاقه در معارف دینی فرادست می‌آید این است که زنان ابتدا باید به تدبیر امور منزل پرداخته و سپس در وهله بعد نقش خود را در جامعه ایفا نمایند. لذا می‌توان گفت در اینجا نوعی تقدم وجود داشته و زنان با حفظ مسئولیت خانوادگی خویش، می‌بایست مسئولیت‌های اجتماعی را نیز در صورت توان عهده‌دار شوند. در این میان توجه به این نکته نیز ضرورت دارد که در آموزه‌های شرعی فعالیت زن در جامعه باید به گونه‌ای باشد که آسیبی به نقش مادری و تربیت فرزندان وارد نکند. همچنین نقش‌آفرینی زنان در اجتماع نباید با کرامت و ارزش معنوی و انسانی زنان منافات داشته باشد. با این توضیح که مسئولیت و حضور زنان در فعالیت‌های اجتماعی باید با خلقت زنانه و احساسات و عواطفی که خداوند خالق انسان در وجود ایشان به ودیعت نهاده هماهنگ و همسو باشد.

با توجه به مراتب فوق و نظر به اهمیت بحث، نوشتار فرارو خواهد کوشید مسئله توانمندسازی زنان و اقتضانات و بایسته‌های آن را در آینه اندیشه‌های مقام معظم رهبری مورد مطالعه قرار دهد. اهمیت پژوهش از آن جهت است که اولاً: تاکنون تحقیق مستقلی که به این امر پرداخته باشد، انجام نشده است؛ و ثانیاً: شناسایی و تحلیل آرای معظم‌له در این زمینه از اهمیت شایانی برخوردار است؛ زیرا ایشان از یک‌سو اسلام‌شناسی حاذق می‌باشند که رجوع به آرای ایشان به‌نوعی بازتاب‌دهنده دیدگاه اسلام ناب و اصیل می‌باشد و پرواضح است که شریعت اسلام به جهت وجود معارف برجسته در عرصه‌های متنوع زندگی انسان از یک‌سو، و تلاش‌های دینداران و متشرعان برای تحقق بخشیدن به جامعه دینی از سوی دیگر، همواره از بهترین گزینه‌ها برای تحقق و عینیت بخشیدن به تمدن مرفقی که متضمن سعادت و پیشرفت بشر باشد، می‌تواند تلقی شود؛ و از دیگرسوی تبیین مؤلفه‌های توانمندسازی زنان در آرای رهبری انقلاب با عنایت به این مهم که مقام معظم رهبری به منزله رهبر حکیم جامعه، با تأسی به آموزه‌های دینی، پیاده‌سازی تعالیم راهبردی شریعت را مدنظر قرار می‌دهند و نیز شناخت جامعی که ایشان از رهگذر مدیریت جامعه در طول سالیان از مقتضیات و نیازهای زمان کسب نموده‌اند، می‌تواند به مثابه الگویی درخشان پیش‌روی مدیران و مسئولان جامعه در جهت پیشبرد راهبردهای کلان نظام اسلامی در راستای توانمندسازی زنان قرار گیرد. ناگفته پیداست در دوره کنونی، تمدن مرفقی اسلامی، به عنوان مهم‌ترین رقیب نظام لیبرالیستی در عرصه بین‌الملل مطرح بوده و ایران اسلامی، در مقابل گفتمان غرب، انقلاب اسلامی مبتنی بر فطرت توحیدی و نظریه ولایت فقیه را به جهانیان معرفی کرده است، لذا استخراج آرای رهبر انقلاب می‌تواند در این زمینه بسیار گره‌گشا باشد.

لازم به ذکر است که پژوهش حاضر مانند اغلب تحقیقات انجام شده در زمینه علوم اسلامی از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و با رجوع به مستندات و منابع کتابخانه‌ای و مراجعه به بیانات و مکتوبات مقام معظم رهبری، از ابتدای زمامداری معظم‌له تاکنون، نگاشته شده است. همچنین از آنجا که در تحقیقات اسلامی و دینی، پردازش و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده، از مهم‌ترین و اساسی‌ترین بخش‌های پژوهش به شمار می‌آید، پژوهش فرارو سعی کرده است ضمن استخراج و احصای دقیق مواضع بحث از خلال بیانات و آثار معظم‌له، به تفکیک هر یک از مقاصد بحث را، به صورت منظم و هدفمند ارائه نموده و به تحلیل دقیق آن پردازد.

۲- پیشینه پژوهش

مطابق آنچه نگارنده در پایگاه‌های معتبر علمی جستجو نمود، نتایجی به شرح ذیل حاصل گردید: کلدی و سلحشوری در مقاله خود با عنوان «بررسی تأثیر حمایت اجتماعی بر توانمندسازی زنان» (۱۳۹۱، صص ۲۲-۷)، که به صورت پیمایشی انجام داده‌اند و جامعه آماری ایشان شامل زنان شهر تهران می‌باشد، به این نتیجه رسیده‌اند که حمایت اجتماعی از زنان می‌تواند بر توانمندسازی روانشناختی، اقتصادی و جسمی زنان تأثیر داشته باشد.

حسن‌پور و همکاران در پژوهشی با عنوان «شناسایی و اولویت‌بندی راه‌های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار» (۱۴۰۰، صص ۸۱-۱۱)، چنین نتیجه گرفته‌اند که راه‌های مبتنی بر توانمندسازی شخصی زنان سرپرست خانوار نسبت به راه‌هایی که مبادرت به توانمندسازی از طریق کمک مستقیم مالی می‌کنند، اولویت بالاتری داشته و نظر خبرگان را بیشتر به خود جلب کرده است.

بذرگر و همکاران هدف از مطالعه خود تحت عنوان «نقش آموزش و توانمندسازی زنان در حفظ محیط‌زیست و مدیریت پایدار شهری» (۱۳۹۹، صص ۸۲-۷۱) را این‌گونه شرح داده‌اند که ارزیابی کیفی و تدوین نقش آموزش و توانمندسازی زنان در حفظ محیط‌زیست و بررسی چگونگی آرامش خاطر در آن‌ها، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و لذا در نظر گرفتن تدابیری برای نیل به این مقصود از اهمیت شایانی برخوردار است.

شکوری در مقاله‌ای با عنوان «سیاست‌های حمایتی و توانمندسازی زنان» (۱۳۸۷، صص ۱۵۹-۱۲۹)، با ذکر این نکته که توفیق سیاست‌های اجتماعی، به‌ویژه در بعد حمایتی و فقرزدایی زنان، به عنوان یکی از نشانگرهای اداره مطلوب امور جامعه محسوب می‌شود، به بررسی رابطه بین سیاست‌های حمایتی و توانمندسازی زنان پرداخته و برای این منظور برنامه‌های خودکفایی کمیته امداد را با استفاده از روش پژوهش پیمایشی در شهر تهران مورد بررسی قرار داده است.

کیمیایی در پژوهش خود «شیوه‌های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار» (۱۳۹۰، صص ۹۲-۶۳)، در پی بررسی شیوه‌های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان‌های حمایتی برآمده و به این نتیجه رسیده است که اجرای برنامه‌های توانمندسازی، همان‌گونه که در سایر کشورها نتایج مثبتی به همراه داشته است، اجرای آن در مورد زنان سرپرست خانوار، نه تنها به اشتغال و افزایش سطح درآمد و

ارتقا آنها به سطوح طبقاتی بالاتر اجتماعی و اقتصادی جامعه منجر می‌شود؛ بلکه به کمک آموزش شغلی از وابستگی آن‌ها به سازمان‌های حمایتی کاسته شده و به لحاظ اقتصادی اجتماعی خود را همچون سایر افراد جامعه می‌بیند.

بنابراین در یک برآیند کلی می‌توان گفت، همانگونه که مشخص است، هیچ‌یک از پژوهش‌های صورت گرفته با موضوع نوشتار حاضر همپوشانی نداشته و از این حیث مقاله فرارو در موضوع خود، پژوهشی نوین و اصیل محسوب می‌شود.

۳- دورنمایی از آرای رهبر انقلاب در مورد بانوان

در آغاز باید اشاره کرد که در اندیشه مقام معظم رهبری، که ریشه در آموزه‌های اصیل و الهی اسلام دارد، نگرش به زن و مرد از منظر انسانیت یکسان است و هیچ تفاوتی میان این دو جنس از این حیث وجود ندارد. ایشان با تأکید بر این اصل، بیان می‌کنند که اسلام خواهان تکامل انسان است و برای آن، زن و مرد هیچ تفاوتی ندارند. در اسلام، جنسیت زن یا مرد مطرح نیست؛ آنچه اهمیت دارد، تکامل انسانی است. گاهی سخن از مرد به میان می‌آید و گاهی از زن؛ گاهی به مناسبتی از زن تجلیل می‌شود و گاهی از مرد. این دو، دو بخش مکمل پیکره بشریت هستند و از لحاظ جنبه‌های انسانی و الهی، هیچ برتری یا تفاوتی میان آن‌ها وجود ندارد. ایشان با اشاره به آیات قرآن، به نمونه‌هایی از زنان اشاره می‌کنند که هم الگوی نیکی و هم الگوی نادرستی هستند. مانند همسر نوح و همسر لوط که نمونه‌هایی از گمراهی هستند و همسر فرعون که نمونه‌ای از ایمان و استقامت است. این نشان می‌دهد که زن و مرد هر دو می‌توانند در مسیر حق یا باطل قرار گیرند و هیچ تفاوتی در این زمینه ندارند (بیانات در دیدار جمعی از زنان، ۱۳۷۶/۰۷/۳۰).

مقام معظم رهبری همچنین بر کرامت و هویت والای زنان تأکید می‌کنند و بیان می‌دارند که زن در جایگاه خود، هویتی بسیار بلندمرتبه و باکرامت دارد و از برخی جهات حتی بر مردان برتری دارد. اگر به طور کلی بنگریم، زن و مرد در خلقت و ویژگی‌های طبیعی که خداوند به آن‌ها عطا کرده، تفاوتی ندارند؛ هر یک امتیازات خاص خود را دارند. خداوند به هر جنس ویژگی‌هایی خاص بخشیده است، اما از نظر انسانیت و ارزش‌های الهی، هیچ تفاوتی میان آن‌ها نیست (بیانات در دیدار جمعی از بانوان فرهیخته‌ی حوزوی و دانشگاهی، ۱۳۹۲/۰۲/۲۱).

ایشان راهکار اصلی برای رسیدن زنان به جایگاه حقیقی خود را تمسک به آموزه‌های اسلامی می‌دانند و

می‌فرمایند اگر بخواهیم برای زنان جامعه خود حرکتی اساسی ایجاد کنیم تا به جایگاه مطلوب خود برسند، باید به احکام اسلام رجوع کنیم و از آن الهام بگیریم. اسلام روش‌های خردمندانه و عقلانی را می‌پسندد و هر تجربه‌ی مفیدی را که در جای دیگری وجود داشته باشد، مورد تأیید قرار می‌دهد. اما تقلید کورکورانه از دیگران پذیرفته نیست؛ بلکه استفاده‌ی هوشمندانه از تجربیات دیگران است که می‌تواند راهگشا باشد (بیانات در دیدار جمعی از زنان، ۳۰/۰۷/۱۳۷۶).

در اندیشه رهبری انقلاب، نگاه اسلامی به مقوله زنان نه تنها مانع رشد و تعالی آنان نیست، بلکه رعایت حدود اسلامی و شرعی می‌تواند زمینه‌ساز و شتاب‌دهنده‌ی شکوفایی استعدادهای زنان باشد. ایشان با انتقاد از نگاه غلط غربی که تلاش می‌کند زنان را از ویژگی‌های فطری خود دور سازد و آنان را به کپی دوم مردان تبدیل کند، بر این مطلب تصریح می‌نمایند که چنین نگاهی در واقع کسر شأن زنان است؛ چه اینکه زن کامل بودن در مواردی از مرد کامل بودن هم بالاتر و پرارزش‌تر است (دیدار جمعی از زنان نخبه با رهبر انقلاب، ۱۳/۰۴/۱۳۸۶).

ایشان وجود زنان مسلمان و مؤمن که دارای تحصیلات عالی هستند را از بزرگ‌ترین افتخارات جامعه اسلامی دانسته و چنین بیان می‌دارند که امروزه نام زنان ما بر تارک کتابهای متعدّد علمی می‌درخشد و جزو برترین نوشته‌ها و آثار مکتوب نظام اسلامی، نوشته‌های بانوان می‌باشد که این امر مایه افتخار بوده و در تاریخ بی‌سابقه است. در نظرگاه معظم‌له مسئله زن در دنیای امروز و از جمله در کشور ما، یکی از مسائلی است که به جهات مختلف همچنان درخور پیگیری و تأمل و کار و فکر است (بیانات در دیدار جمعی از بانوان برگزیده کشور، ۳۰/۰۱/۱۳۹۳).

همچنین شایسته است یادآوری شود که در منظومه‌ی فکری رهبری، اینگونه نیست که فتاوی‌ای فقهی مربوط به زنان غیرقابل تغییر و تحول دانسته شوند؛ بلکه نوآوری در این عرصه، در چارچوب فقه پویا و جواهری، امری پذیرفته‌شده و مقبول است. ایشان در این باره معتقدند همه‌ی آنچه که در فقه ما درباره‌ی احکام زنان مطرح شده است، لزوماً سخن آخر نیست؛ بلکه ممکن است با تحقیقات دقیق و عمیق، برخی از احکام فقهی دچار تغییر و تحول شوند. اما آنچه در این زمینه ضروری است، این است که هرگونه تغییر یا بازنگری در احکام فقهی، باید توسط فقیهی ماهر و مسلط به مبانی فقهی انجام گیرد؛ نه اینکه فردی بر اساس تمایلات شخصی یا برای هماهنگ‌سازی خود با معاهدات جهانی، به دلخواه از

گوشه‌وکنار احکام اسلامی ببرد و اضافه کند(دیدار جمعی از بانوان نخبه با رهبر انقلاب، ۱۳۹۰/۰۳/۰۱). این بیان نشان‌دهنده‌ی نگاهی متعادل و منطقی به مسائل فقهی است که از یک سو، امکان تحول و نوآوری در چارچوب اصول فقهی را می‌پذیرد و از سوی دیگر، بر ضرورت رعایت ضوابط دقیق و تخصصی در این زمینه تأکید می‌کند. به عبارت دیگر، تغییرات در احکام فقهی باید بر اساس استدلال‌های محکم و در چارچوب مبانی اصیل فقهی صورت گیرد، نه بر اساس گرایش‌های شخصی یا فشارهای بیرونی. این رویکرد، هم از اصالت فقه اسلامی دفاع می‌کند و هم راه را برای پاسخگویی به نیازهای متغیر جامعه در چارچوب شرع باز می‌گذارد.

۴- یافته‌های پژوهش

مطابق تتبع نگارنده در بیانات معظم‌له و با توجه به بسامد فرمایشات رهبر انقلاب، از ابتدای دوره زمامداری ایشان تا به امروز، بنظر می‌رسد بایسته‌ها و اقتضائات ورود به مسئله زنان را می‌توان در سه- محور کلی در آرای مقام معظم رهبری، مورد شناسایی و تحلیل قرار داد که در ذیل به تبیین و تحلیل این موارد پرداخته می‌شود.

۱-۴: پرهیز از نگاه غرب‌زده به زن

تمدن غربی بر پایه نظام لیبرالی پایه‌گذاری شده و در این راستا زن به عنوان ابزاری برای التذاذ مردان و تحقق مطامع و راهبردهای نظام سرمایه‌داری محسوب می‌شود. با وجود این دنیای غرب می‌کوشد تا ابزارگرایی نسبت به ماهیت زن را به مثابه آزادی عمل زنان در جامعه جلوه دهد و در مقابل، حفظ حریم مقدس و کارکرد تربیتی زنان را به مثابه نقض آزادی زنان بنمایاند. این در حالی است که برده‌داری جنسی، دستمزد نابرابر، استفاده ابزاری از جذابیت‌های جنسی زنان در نظام لیبرالیستی غربی، ظلم مضاعفی است که دنیای غرب در حق زنان روا داشته است(مطهری، ۱۳۷۴، ص ۶۱). بی‌گمان غرب با شعار «برابری جنسیتی» زنان را به عرصه‌های کاری کشاند، اما این امر نه برای ارتقای حقوق زنان، بلکه برای بهره‌کشی اقتصادی بود. این امر نشان می‌دهد که تمدن غرب با شعارهای فریبنده، نه تنها به زن عزت نبخشیده، بلکه او را در دام مصرف‌گرایی و استثمار جنسی انداخته است. در مقابل، اسلام با حفظ کرامت زن و تعریف نقش‌های تکمیلی زن و مرد، راه سعادت را نشان داده است.

از این حیث بی‌گمان پذیرش شاخصه‌های غربی در مورد زنان، موجب خسارات جبران‌ناپذیری برای

جامعه و خاصه قشر بانوان خواهد گردید؛ این درحالی است که در منظومه معارف دینی، حقوق زنان به نیکی به رسمیت شناخته شده و در منطق قرآن و معارف اهل بیت (علیهم السلام) زن به مقتضای آفرینش خود، از جایگاه ممتاز و ویژه‌ای برخوردار است که مرد قابلیت جانشینی آن را ندارد و البته هر دو، برای رسیدن به کمال خویش خلق شده‌اند و هر دو در کمال یکدیگر نقش مؤثری ایفا می‌کنند و در واقع مکمل یکدیگرند. در تمدن‌های گذشته ارزش و منزلت زن در مرتبه بسیار نازلی قرار داشت؛ به‌طوری که او را دارای ارزش انسانی و حقوق انسانی قلمداد نمی‌کردند. از باب نمونه در برخی از مکتوبات تاریخی آمده است که زنان در عصر جاهلیت از کمترین حقوق انسانی محروم بودند. منقول است در جاهلیت زمانی که زنی آبستن بوده و می‌خواست فرزند خود را به دنیا بیاورد، اعراب گودالی حفر کرده و زن را در کنار آن قرار می‌دادند، اگر فرزندی که به دنیا می‌آمد پسر بود، اظهار خشنودی کرده و او را حفظ می‌نمودند، ولی در صورتی که دختر بود، او را در گودال افکنده و به صورت زنده دفن می‌نمودند (ماوردی، ۱۴۱۹، ج ۱۳، ص ۶۷؛ طوسی، بی تا، ج ۱۰، ص ۲۸۲).

در چنین محیطی، با بعثت پیامبر مکرم اسلام (ص) گفتمانی نو بر پایه اخلاق و تکریم آدمی، فارغ از جنسیت شکل گرفته و حضرت محمد (ص) به صراحت هدف از بعثت خود را به کمال رساندن ارزش‌های اخلاقی معرفی کردند (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۱، ص ۱۸۷؛ بیهقی، ۱۴۲۴، ج ۱۰، ص ۳۲۳). از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده است که هرگاه فردی بشارت به دنیا آمدن دختری را به نبی اکرم (ص) می‌داد، حضرت (ع) بسیار شادمان شده و می‌فرمودند: «اولاد دختر به گلی خوشبو می‌ماند و رزق وی بر عهده خداوند است» (کافی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۴۲؛ مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۱۰۱، ص ۹۷). قرآن مجید نیز که میراث بی‌بدیل و یگانه پیامبر گرامی اسلام (ص) است، برخلاف گفتمان معهود در دوره جاهلیت، جنس زن را در حقیقت و ذات به مانند مرد قلمداد می‌نماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (روم/۲۱)؛ برای دیدن تفصیل مطلب؛ ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۲، ج ۱۶، ص ۶۵؛ طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۴۷۰). همچنان که موافق با این معنا از پیامبر اسلام (ص) روایت شده است که گرامی داشتن زنان، شیوه انسان‌های کریم و توهین به آنان، مرام انسان‌های فرومایه است: «ما أكرم النساء الأكرام ولا أهانهن الأئيم» (متقی هندی، ۱۴۱۹، ج ۱۶، ص ۳۷۱).

همسو با همین معنا، مقام معظم رهبری بانوان را از افتادن به دام تمدن غرب برحذر می‌دارند: «اگر ما

می‌خواهیم درباره مسئله زن درست فکر کنیم و دچار خطا نشویم، باید ذهنمان را از حرف‌های کلیشه‌ای فرآورده غربی‌ها بکلی خالی کنیم. غربی‌ها نسبت به مسئله زن بد فهمیدند و همان فهم بد خودشان را به صورت سگه رایج در دنیا مطرح کردند... نظرات غربی‌ها در زمینه مسئله زن مطلقاً نمی‌تواند مایه سعادت و هدایت بشر باشد... نگاه به حقایق آفرینش را بایستی با نگاه معرفت‌شناسی الهی، با اعتقاد به وجود خدا، شناخت و فهمید» (بیانات در دیدار جمعی از بانوان برگزیده کشور، ۳۰/۰۱/۱۳۹۳).

معظم‌له در جای دیگری با تأکید بر اینکه نگاه اسلام این است که زن و مرد از لحاظ ارزش‌های انسانی برابرند، بر این امر تصریح می‌ورزند که ما به این نگاه افتخار می‌کنیم و ما سرتاپا اعتراض به منطق و روش غربی و سبک زندگی غربی در مورد زن هستیم؛ معتقدیم آنها به زن دارند ظلم می‌کنند (بیانات در ارتباط تصویری با مداحان، ۱۵/۱۱/۱۳۹۹).

ایشان در آسیب‌شناسی نگاه غرب به زن، به نکته ظریفی اشاره کرده و چنین اظهار می‌دارند: «وقتی که مرد در تمدن غربی، جنس برتر است و تمدن، تمدن مردسالار است، نتیجه این است که زن سعی می‌کند الگوی خودش را مرد قرار بدهد و مرد می‌شود الگوی زن؛ زن دنبال کارهای مردانه حرکت می‌کند» (بیانات در دیدار اقشار مختلف بانوان، ۱۴/۱۰/۱۴۰۱).

در همین راستا رهبر انقلاب معتقدند باید به جهاد تبیین در این زمینه پرداخته و رسوایی فرهنگ غرب را با مجاهدت علمی به همگان نشان داد: «یک توصیه دیگر... من سفارش می‌کنم یکی از نکاتی که دانشجویان خواهر در تشکّل‌ها دنبال کنند، مسئله زن در غرب باشد؛ ما کمتر به این مسئله می‌پردازیم... معتقدم باید کار کرد و میدان کار در این زمینه وجود دارد» (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۷/۰۳/۱۳۹۶).

ایشان در فرازی دیگر و در تعبیری ژرف، نگاه به زن در فرهنگ شرق و فرهنگ غرب را مورد نقد قرار می‌دهد: «زن در تعریف غالباً شرقی، همچون عنصری در حاشیه و بی‌نقش در تاریخ‌سازی؛ و در تعریف غالباً غربی، به مثابه موجودی که جنسیت او بر انسانیتش می‌چربد و ابزاری جنسی برای مردان و در خدمت سرمایه‌داری جدید است، معرفی می‌شد» (پیام به کنگره‌ی هفت هزار زن شهید کشور، ۱۶/۱۲/۱۳۹۱).

مقام معظم رهبری با انتقاد از فرهنگ غرب معتقدند که نگاه فرهنگ غربی به زن اهانت‌آمیز است. اسم آن را آزادی می‌گذارند، لکن در حقیقت آزادی نیست. در مقابل نگاه اسلام به زن، نگاهی است

عزت‌بخش، کرامت‌بخش، رشد‌آفرین، استقلال‌دهنده به هویت و شخصیت زن (بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «زنان و بیداری اسلامی»، ۲۱/۰۴/۱۳۹۱).

ایشان در جمع دیگری به مناسبت روز پرستار و سالروز ولادت حضرت زینب(س) می‌فرمایند که این پیام را به زنان جامعه‌ی است که جایگاه و نقش حقیقی خود را بیابید. عظمت و بزرگی زن بودن را در هم‌آمیزی حیا و عفاف زنانه با عزت و سرفرازی ایمانی درک کنید. زن مسلمان این‌گونه است. اما دنیای منحط غرب تلاش کرده است تا بروز و شخصیت زن را در قالب شیوه‌های انحرافی و تحقیرآمیز به جهان تحمیل کند. در نگاه آنان، زن برای اثبات شخصیت خود، ناچار است به چشم‌نوازی برای مردان روی آورد (بیانات در دیدار جمعی از پرستاران نمونه کشور، ۰۱/۰۲/۱۳۸۹). این بیانات، نگاه عمیق اسلام به جایگاه زن را نمایان می‌سازد؛ جایگاهی که در آن، زن با حفظ کرامت و ارزش‌های الهی، به عالی‌ترین مراتب عزت و شخصیت دست می‌یابد و در مقابل، نگاه تحقیرآمیز غرب به زن را به چالش می‌کشد.

مقام معظم رهبری در مواجهه با مسئله زنان، غرب را نه به عنوان مدعی، بلکه در جایگاه متهم می‌دانند و در این زمینه با صراحت بیان می‌کنند که غربی‌ها باید در قبال رفتارشان با جنس زن پاسخگو باشند؛ چراکه آن‌ها به زنان خیانت کرده‌اند... فرهنگ غربی با ترویج بی‌بندوباری و سوق دادن زنان به سوی ابتذال، باعث تضعیف و سست شدن بنیان خانواده شده است. در چنین فرهنگی، خیانت زن و مرد به یکدیگر در چارچوب خانواده، امری عادی و بی‌اهمیت تلقی می‌شود (بیانات در دیدار جمعی از بانوان، ۳۰/۰۶/۱۳۷۹). این بیانات، نگاه انتقادی ایشان به فرهنگ غرب را نشان می‌دهد که چگونه با ترویج ارزش‌های نادرست، کرامت و جایگاه زن را زیر سؤال برده و بنیان خانواده را متزلزل کرده است. در مقابل، اسلام با حفظ حرمت و عزت زن، جایگاه واقعی او را در جامعه و خانواده تثبیت می‌کند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بخشی از بیانات خود، آمار و ارقام مربوط به ظلم و ستم علیه زنان در دنیای غرب را تکان‌دهنده و شرم‌آور توصیف کرده‌اند. ایشان با اشاره به تناقض‌های موجود در جوامع غربی که ادعای برابری حقوق زن و مرد را دارند، به آمار هولناک خشونت و سوءاستفاده از زنان در محیط‌های مختلف اشاره می‌کنند. به باور ایشان، رویکرد غرب در حل مشکلات زنان نه تنها راه‌گشا نبوده، بلکه ناکارآمد و ناتوان از ارائه راه‌حل‌های اساسی است. در مقابل، اسلام با ایجاد محیطی سالم و مبتنی بر عقلانیت و خردورزی، تلاش می‌کند تا از هرگونه تعدی و ظلم به زنان جلوگیری کند. در

چنین فضایی، دست تجاوز و ستم به سوی ضعیفان دراز نمی‌شود و کرامت انسانی زنان به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از جامعه حفظ می‌گردد. این نگاه اسلام، راه‌حلی اصیل و پایدار برای احقاق حقوق زنان و رفع تبعیض‌ها ارائه می‌دهد، در حالی که غرب با شعارهای ظاهری و رویکردهای سطحی، نه تنها مشکلات زنان را حل نکرده، بلکه به تشدید آن‌ها دامن زده است (دیدار جمعی از بانوان مسئول و متخصص و هنرمند کشور با رهبر انقلاب، ۱۳۷۴/۰۸/۲۲).

۲-۴: استمداد از میراث وحیانی در مسئله زن

بر کسی پوشیده نیست که در گستره و درازای تاریخ، زن در بسیاری از اوقات از شأن و جایگاه مطلوبی برخوردار نبوده و غالباً با بی‌مهری و ستم مواجه می‌شده است. در این راستا پس از ظهور اسلام، در پرتو آموزه‌های متعالی و مترقی وحیانی، زنان توانستند به استیفای احیای حقوق از دست‌رفته خود نائل گشته و در ذیل آموزه‌های کرامت‌مدار اسلام به احیای شخصیت خود همت گمارند. البته باید اذعان کرد معارف و آموزه‌های حیات‌بخش اسلام، اگرچه در پیشبرد و احیای منزلت زنان تأثیر بسزایی داشته است، لکن کثیری از حقایق دینی، هنوز آنچنان که شایسته است مورد تبیین قرار نگرفته و جامعه اسلامی نتوانسته است در حد کمال از فرآورده‌های روح‌بخش فرهنگ دینی بهره‌جوید. در این میان، فرهنگ غرب نیز با تبلیغات مسموم همه‌جانبه و با صرف هزینه‌های گزاف، کوشیده است الگوی منحن و مبتذل خود را بر کشورهای جهان آوار نماید. شایان توجه آنکه غریبان هنوز به مفید بودن دستاوردهای خود اطمینان نداشته و خود از درون مبتلا به بحران‌های عمیق و فراگیر گشته‌اند و با این حال به تهاجم گسترده و فراگیر نسبت به فرهنگ و تمدن کشورهای دیگر اقدام کرده‌اند.

نکته قابل توجه آنکه نقض کرامت زنان، در بسیاری از تمدن‌ها به صورت گسترده وجود داشته است. از باب مثال در یونان، جنس زن، زاده شیطان معرفی شده و صرفاً در جهت ارضای غریزه جنسی مورد استفاده قرار می‌گرفته است. نمونه دیگر رومیان بودند که زن را به علت فقدان روح انسانی، شایسته حشر نمی‌دانستند. در چین نیز پس از تولد دختران، بسیاری از آنان را به برده‌فروشان می‌فروختند و تصور ایشان چنین بود که خداوند خالق جنس مذکر و شیطان خالق جنس مؤنث می‌باشد (ربانی، ۱۳۵۸، ص ۲۱)؛ کما اینکه قربانی کردن دختران دوشیزه برای بت‌ها و خدایان در چین امری رایج بوده است (سبحانی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۴۸). همچنانکه گذشت در میان اعراب جاهلی نیز زنان به هیچ‌وجه وضعیت مناسبی نداشته و به بدترین

شکل ممکن، مورد تحقیر و استخفاف قرار می‌گرفتند. آنگونه که در برخی از منابع نقل شده است، هنگامی که از فردی به نام «قیس بن عاصم» پرسش شد که چند تن از فرزندان دختر خود را زنده به گور افکنده‌ای؟ وی در پاسخ به عدد دوازده یا سیزده اشاره نمود (ابن اثیر، ۱۴۲۴، ج ۴، ص ۲۰).

چنین نگاهی به زن همانگونه که گفته شد، در قیاس با نگاه کرامت‌مدار اسلام، به خوبی نمایانگر تفاوت بینش عمیق دو دیدگاه می‌باشد. دین مبین اسلام با هرگونه برتری‌جویی جنسیتی، نژادی و... مخالفت کرده و معیار برتری انسان‌ها را تقوا قرار داد. در آموزه‌های قرآنی، زن در حقیقت وجودی به مانند مرد معرفی می‌شود: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (روم/۲۱). قرآن مجید نقش زنان را در تولید و تکثیر نسل و ادامه حیات بشری، نقشی کلیدی و مهم می‌داند (نساء/۱)؛ و حتی بر مشارکت و حضور پررنگ زنان در عرصه فعالیت‌های سیاسی صحنه می‌گذارد: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ... فَبَايِعْهُنَّ» (ممتحنه/۱۲).

البته ممکن است شبهه‌ای در این میان ایجاد شود و آن اینکه علت و فلسفه احکام فقهی متفاوت در میان زن و مرد چیست؟ در پاسخ به این پرسش باید به این نکته توجه نمود که اولاً: از قطعیات دینی این است که زن و مرد از حیث گوهر وجودی دارای خلقت یکسان بوده و بر یکدیگر برتری ندارند (جوادی آملی، ۱۳۷۶، ص ۲۱)؛ ثانیاً: این نکته را نباید از نظر دور داشت که خداوند خالق بشر، با علم به ویژگی‌های روحی و جسمی هریک از جنس زن و مرد و متناسب با چنین ساختارهایی، برای هر کدام حقوق و وظایفی تعیین نموده است؛ لذا نباید از وجود احکام متفاوت، شبهه تبعیض و نابرابری وجودی استشمام شود. در واقع می‌توان گفت چنین شبهه‌ای ناشی از خلط و مغالطه بین «تساوی» و «تشابه» می‌باشد که توسط متفکران برجسته اسلامی گوشزد شده است. شهید مطهری در این زمینه معتقد است اگرچه زن و مرد در انسانیت یکسان هستند؛ لکن دوگونه انسان با دو نحوه روانشناسی می‌باشند و منشاء این تفاوت، به بسترهای جغرافیایی یا تاریخی بازگشت ندارد؛ بلکه چنین افتراقی در آفرینش زن و مرد لحاظ شده و خداوند حکیم با حکمت بالغه خود چنین تفاوتی را در وجود این دو جنس به ودیعه نهاده است و لذا هرگونه کنش برخلاف فطرت، می‌تواند عوارض غیرقابل جبرانی ایجاد کند (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۱۹، ص ۱۳۰).

بنابراین می‌توان گفت شریعت و حیانی اسلام با «تساوی» حقوق به هیچ‌وجه مخالف نمی‌باشد؛ بلکه

صرفاً «تشابه» حقوق را به جهت روحیات متفاوت زن و مرد نمی‌پذیرد. لذا مشاهده می‌شود که در منظومه معارف دینی، در همه مواضع، برای زن و مرد حقوق یکسان و مشابه قرار داده نشده است؛ همچنان‌که در تمامی موارد تکالیف و مسئولیت‌های یکسان نیز جعل نشده است. به عنوان مثال در تعالیم دینی، زنان از حضور در جهاد و بیکار با دشمنان خداوند معاف شده‌اند (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۱؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۱، ص ۵). زیرا در این حکم روحیات و خصلت‌های جسمی جنس زن لحاظ شده و برای ایشان مسئولیت‌های دیگری مانند پشتیبانی و تأمین نیازهای روحی جهادگران در نظر گفته شده است. بنابراین نمی‌توان گفت شریعت در حق جنس زن یا جنس مرد، مرتکب جفا شده است؛ بلکه باید اذعان نمود وظایف هر جنس، مطابق با اقتضائات و خلقت هر یک لحاظ شده و مبنای قانونگذاری قرار گرفته است.

مقام معظم رهبری نیز مطابق با همین آموزه‌ها و با عنایت تام به تفاوت‌ها و اقتضائات جنس زن، در پرداختن به مسئله زنان، عدم غفلت از چنین ظرایف و نکاتی را مورد تأکید قرار داده‌اند. ایشان در این زمینه می‌فرمایند: «(در مسئله زنان) به متون اسلامی مراجعه کنید. خداوند آفریننده من و شما است. من نمی‌گویم هر چه به نام دین در دهان‌ها می‌افتد آدم قبول کند؛ نه، از همان دین صحیح، که با شیوه درست استنباط این کار انجام می‌گیرد، استفاده شود؛ واقعاً از کتاب خدا، از سنت پیغمبر، از روش ائمه معصومین و از کلمات این‌ها استفاده بشود که ما در زمینه مسائل زنان باید چه راهبردی را اتخاذ کنیم و خطوط اساسی را از آنجا باید اتخاذ کنیم» (بیانات در دیدار جمعی از بانوان برگزیده کشور، ۱۳۹۳/۰۱/۳۰).

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در جمعی دیگر با تأکید بر نگاه متعالی اسلام به زن، بر این نکته مهم تصریح می‌کنند که اسلام در مسئله‌ی زن و خانواده، سخنان عمیق، برجسته و قابل تأملی دارد. ایشان با بیان این موضوع که نگاه اسلام به جنسیت، نگاهی درجه دو است، توضیح می‌دهند که نگاه درجه یک اسلام، به حیثیت انسانی است؛ جایی که جنسیت هیچ نقشی ندارد. خطاب اسلام به انسان است... در مسائل اساسی، زن و مرد هیچ تفاوتی با هم ندارند. به عنوان مثال، در تقرب به خداوند، زنانی مانند حضرت فاطمه زهرا (س)، حضرت زینب (س) و حضرت مریم (س) وجود دارند که جایگاه‌شان فراتر از تصورات ماست. در آیه شریفه‌ی سوره احزاب نیز به روشنی بیان شده است که زن و مرد در ایمان و عمل صالح هیچ تفاوتی با هم ندارند: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ» (بیانات در

سومین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۹۰/۱۰/۱۴).

معظم‌له در فرازی دیگر، ضمن اشاره به تفاوت‌های وجودی زن و مرد چنین می‌فرماید که ما باید در مسئله‌ی زن، نگاهی همه‌جانبه و جامع داشته باشیم، و چنین نگاهی در اسلام به وضوح وجود دارد. در اسلام، ارزش‌گذاری به اصالت زن و هویت زنانه‌ی او، یک اصل والا و مهم است. زن بودن برای زن، خود یک ارزش است و به هیچ وجه تشبه به مردان برای زن ارزش محسوب نمی‌شود؛ همان‌طور که برای مردان نیز تشبه به زنان ارزش به حساب نمی‌آید. هر یک از زن و مرد، نقش و جایگاه خاص خود را دارند، و در آفرینش حکیمانه‌ی الهی، مقصودی ویژه برای هر یک از آن‌ها در نظر گرفته شده است. این مقصود باید به درستی شناخته شود و محقق گردد (بیانات در دیدار بانوان نخبه در آستانه میلاد حضرت زهرا (س)، ۱۳۸۶/۰۴/۱۳).

ایشان همچنین به این نکته مهم اشاره می‌کنند که در نظام اسلامی، ممکن است محدودیت‌هایی وجود داشته باشد که این محدودیت‌ها بر اساس فطرت انسانی و ویژگی‌های زنانه طراحی شده‌اند. این محدودیت‌ها در واقع کمک می‌کنند تا انرژی و توانمندی‌های آن‌ها به هدر نرود و تا حد امکان در مسیر درست و سازنده‌ای به کار گرفته شود. نتیجه‌ی این رویکرد، رشد فکری، علمی و عملی در جامعه‌ی زنان است، چیزی که امروز شاهد آن هستیم (همان).

آیت‌الله خامنه‌ای در ضمن یک سخنرانی دیگر با تأکید مجدد بر اینکه از لحاظ ارزش‌گذاری انسانی و اسلامی، هیچ تفاوتی بین زن و مرد نیست، چنین اظهار می‌دارند که: «البته وظایف متقابل زن و مرد نسبت به یکدیگر مختلفند اما تعادل وجود دارد. شارع مقدس در سوره بقره می‌فرماید: وَ لَکُنْ مِثْلُ الَّذِی عَلَیْهِنَ بِالْمَعْرُوفِ؛ (بقره/۲۲۸) آن مقداری که حق برای آنها هست، همان مقدار حق، علیه آنها هست... یعنی هر وظیفه‌ای که به کسی محوّل شده، در قبالش یک حقی وجود دارد. هر امتیازی به هر کدام داده شده، در مقابلش یک وظیفه‌ای وجود دارد؛ تعادل کامل» (بیانات در دیدار اقشار مختلف بانوان، ۱۴۰۱/۱۰/۱۴).

ایشان در جمع شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «زنان و بیداری اسلامی» نیز بر این معنا تأکید کرده و چنین می‌فرمایند: «اسلام با نظر کرامت به زن نگاه می‌کند. خصوصیات خدای متعال در دو جنس قرار داده است که هر کدام نقشی در آفرینش، در تعالی انسان، در حرکت تاریخ بر عهده دارند؛ و نقش زن مهمتر است. مهمترین کار انسان، تداوم بخشیدن به نسل بشری است؛ یعنی تولید مثل؛ نقش زن در این

کار قابل مقایسه با نقش مرد نیست. خانواده از این جهت مهم است، محدودیت‌های اعمال غرائز جنسی از این جهت مهم است؛ با این دید باید به مسائل اسلام و به احکام شریعت اسلامی نگاه کرد (بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «زنان و بیداری اسلامی»، ۲۱/۰۴/۱۳۹۱).

معظم‌له همچنین در تبیین گفتمان مترقی اسلامی در باب زن، اظهار می‌دارند که: «در داخل خانواده، از نظر اسلام مرد موظف است که زن را مانند گلی مراقبت کند. می‌فرماید: «المرأة ریحانة»؛ زن گل است. این مربوط به میدان‌های سیاسی و اجتماعی نیست؛ این مربوط به خانواده است. «المرأة ریحانة و لیست بقهرمانة»؛ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۱۰)، زن مانند گلی است که باید او را مراقبت کرد. این نظر اسلام است. هم خصوصیت زنانگی همه احساسات او براساس این خصوصیت است، حفظ شده است، بر او تحمیل نشده است، از او خواسته نشده است، که در حالی که زن است، مثل مرد فکر کند، مثل مرد کار کند، یعنی خصوصیت زن بودن که یک خصوصیت فطری زنانه است، در دید اسلامی حفظ شده است. هم در عین حال، میدان علم، میدان معنویت، میدان سیاسی، بر روی او باز شده است» (بیانات در دیدار جمعی از بانوان، ۳۰/۰۶/۱۳۷۹).

ایشان در ضمن بیاناتی با تصریح به اینکه اسلام می‌خواهد در مقابل برداشت و فهم غلط از مسئله زن که در طول تاریخ وجود داشته است ایستادگی نماید، چنین اظهار می‌دارند که اگر از تعلیمات انبیا بگذریم، در همه برداشت‌های بشری، جایگاه زن جایگاه غلطی بوده است (بیانات در دیدار جمعی از بانوان پزشک به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا (س)، ۲۶/۱۰/۱۳۶۸). البته از نظر معظم‌له فرهنگ غرب نیز در این زمینه فعال بوده و همواره خواسته است با تبلیغات مسموم وانمود نماید که با نگاه اسلامی جلوی رشد و پیشرفت زن گرفته می‌شود؛ که البته این یک دروغ واضح و یک حرف کاملاً مغرضانه است. چه اینکه این همه بانوان دارای فهم سیاسی و تحلیل سیاسی و این همه نویسنده‌ی زن، مترجم زن، هنرمند زن؛ همه‌ی اینها از برکت جمهوری اسلامی و از برکت نگاه اسلام به زن است که نگاه تکریم است (بیانات در ارتباط تصویری با مداحان، ۱۵/۱۱/۱۳۹۹).

۳-۴: اولویت‌بندی در مسائل زنان

باید اذعان کرد این یک واقعیت اجتماعی است که زنان حدود نیمی از جمعیت جامعه را تشکیل می‌دهند و در کنار نیمه دیگر جامعه یعنی مردان، با برعهده گرفتن نقش‌های متفاوت، ارتباطات اجتماعی

را تکمیل و جامعه را در مسیر پیشرفت و تعالی به حرکت در می‌آورند، اما پاسخ صحیح به این سؤال که جایگاه زنان در فعالیت‌های اجتماعی به‌طور دقیق چگونه باید باشد، می‌تواند به حل بسیاری از معضلات و مشکلات اجتماعی کمک نماید؛ چه اینکه استفاده از توانمندی‌های این قشر از جامعه، محل مناقشه دیدگاه‌های مختلف بوده است؛ زیرا چه در سطح جامعه و چه در میان متفکران، همواره این مسئله در زمره مسائل چالش‌برانگیز بوده است.

در این راستا بنظر می‌رسد در منظومه اندیشه اسلامی، اولویتی که برای زنان در نظر گرفته شده است، تدبیر امور منزل و تقویت و تحکیم نهاد خانواده می‌باشد. در توضیح بیشتر باید گفت نهاد خانواده در جهان‌بینی اسلامی ارزش شایان توجهی دارد. در این جهان‌بینی خانواده گروهی متشکل از افراد است که دارای شخصیت معنوی می‌باشند که با ازدواج شکل می‌گیرد. نباید پنداشت چنین ارتباطی یک رابطه ساده‌انگارانه و فاقد مسئولیت‌پذیری است؛ بلکه یک پیمان مهم است که از جنبه‌های مختلف برای طرفین مسئولیت‌هایی ایجاد می‌کند؛ چراکه سلامت چنین پیمانی که اولین پایه تشکیل یک خانواده است ضامنی برای سلامت کل جامعه است. از باب نمونه اسلام از همان ابتدای تولد فرزندان، دستورات خاصی را برای رشد و تربیت کودک تنظیم فرموده و اجرای آن را بر عهده خانواده قرار داده است؛ به طوری که در سراسر دوره کودکی و نوجوانی که مهم‌ترین دوران رشد و تربیت کودک است سفارش‌های تربیتی بسیاری را در امور گوناگونی از قبیل انتخاب اسم (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۱، ص ۳۸۹؛ طوسی، ۱۴۰۰، ص ۵۰۱)، شیر دادن و از شیر گرفتن (بقره/۲۳۳؛ حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۱، ص ۴۵۶)، در محبت و مهرورزی به کودکان (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۵۰) و در رعایت عدالت، وفای به عهد نسبت به آنها چه در دوره بلوغ و چه در دوره نوجوانی بیان داشته است: «أَحِبُّوا الصِّبْيَانَ وَارْحَمُوهُمْ وَ إِذَا وَعَدْتُمُوهُمْ شَيْئاً فَفُوا لَهُمْ فَإِنَّهُمْ لَا يُرُونَ أَلَّا أَنْكُمْ تُرْزَقُونَهُمْ» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵، ص ۲۰۱).

شایان ذکر است اهمیت تشکیل نهاد خانواده و جایگاه آن در تعالیم اسلامی تا بدان پایه است که در آموزه‌های قرآن، یک عذر تقریباً عمومی و بهانه همگانی برای گریز از ازدواج، یعنی مسئله فقر و نداشتن امکانات مالی، رد شده و خداوند در این زمینه می‌فرماید: نگران فقر و تنگدستی نباشید و در ازدواج بکوشید؛ چه اینکه: «إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ (نور/۳۲)». اگر فقیر باشند، خداوند ایشان را از فضل خود بی‌نیاز خواهد نمود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۱۰، ص ۸۷).

افزون بر این امر، از تأمل در برخی از آیات و پاره‌ای از روایات نیز اولویت خانواده بر سایر امور آشکار می‌شود. خداوند در قرآن در باب زنانی که حقوق شوهر را رعایت می‌کنند چنین می‌فرماید: «فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ...» (نساء/۳۴). زنان درست‌کار، فرمانبردار بوده و به پاس آنچه پروردگار برای ایشان حفظ کرده، اسرار همسرانشان را حفظ می‌نمایند. در تفاسیر در ذیل آیه آورده شده است که زنان صالح و درستکار کسانی هستند که خاضع و متعهد در برابر نظام خانواده بوده و وظایف و مسئولیت‌های خویش را به نحو احسن انجام می‌دهند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۶۹؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۷، ص ۳۶).

همچنین، این معنا از برخی روایات نیز آشکار می‌گردد؛ از باب نمونه در روایتی آمده است که «جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعِ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۴، ۴۱۹). جهاد زن، در شوهرداری نیکوی وی است. یا اینکه در برخی دیگر از روایات، بهترین مسجد و محل عبادت زن، منزل وی دانسته شده است: «أَنَّ خَيْرَ مَسَاجِدِ النِّسَاءِ الْبُيُوتُ وَ صَلَاةُ الْمَرْأَةِ فِي بَيْتِهَا» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۷، ص ۵۱۴).

البته پذیرش چنین سخنی، هرگز به معنای نفی حضور زنان در فعالیت‌های اجتماعی نیست؛ بلکه مقصود اولویت‌بندی مسائل زنان می‌باشد؛ چه‌اینکه همانگونه که در خلال سطور فوق گذشت، آموزه‌های دینی بر اهمیت حضور اجتماعی زنان نیز تأکید کرده‌اند. البته در بینش دینی هرگونه شغل و فعالیت اجتماعی نیز نمی‌تواند با شأن و جایگاه زنان سازگار باشد. از باب نمونه ممکن است به زنان به عنوان نیروی کار ارزان‌تر و گاه بدون مزایا و بیمه نگریده شود که این خود نوعی ظلم و جفای ناروا در حق ایشان به شمار می‌رود؛ یا اینکه اشتغال در برخی محیط‌هایی که خانواده‌محوری در آن‌ها تعریف نشده است، ممکن است تأثیر بسیار منفی بر زندگی بانوان و ازدواج دختران بگذارد. همچنین در برخی موارد ممکن است مشکلات پیشگفته وجود نداشته باشد، اما بانوان شاغل، برای کسب مراتب بالاتر و ارتقای شغلی، ازدواج و تشکیل خانواده را به تأخیر بیندازند.

در هر صورت با توجه به جمیع مطالب مذکور که در آموزه‌های دینی بدان‌ها پرداخته شده است، رهبر معظم انقلاب نیز با حساسیت بسیاری در این مسئله ورود کرده و به بیان تذکرات و نکاتی پرداخته‌اند. ایشان در ضمن یک سخنرانی بر این امر تأکید می‌ورزند که در احصای مسائل اصلی زنان، باید به مسائل اصلی توجه نمود. از نظر معظم‌له پرداختن به مسئله خانواده و بخصوص مسئله سلامت و امنیت

و آرامش و تکریم زن در محیط خانواده، یکی از مسائل اصلی می‌باشد. ایشان حل مشکلات زنان در درون نهاد خانواده را جزو اولویت‌ها معرفی نموده و وظیفه نهادهای ذی‌ربط را شناسایی و برطرف کردن این مشکلات می‌دانند (بیانات در دیدار جمعی از بانوان برگزیده کشور، ۳۰/۰۱/۱۳۹۳).

آیت‌الله خامنه‌ای ضمن بیان این مهم که برخی از افراد برای اینکه غربی‌ها بدشان نیاید، بعضی از واضحات احکام اسلامی را عوض می‌کنند، مهم‌ترین مسئله زنان را امنیت در محیط خانواده و هم‌زمان با خانه‌داری، بروز استعدادها و مختلف وی در زمینه تحصیل و سایر امور، قلمداد نموده و می‌فرماید: «مسئله اشتغال بانوان جزو مسائل اصلی نیست. البته ما با اشتغال بانوان مخالف نیستیم، مادامی که با آن مسائل اصلی معارضه پیدا نکند. یکی از کارهایی که باید انجام بگیرد، طبعاً این است که نگاه کنند ببینند آن مشاغلی که متناسب با این خصوصیت زن است چیست.» (بیانات در دیدار جمعی از بانوان برگزیده کشور، ۳۰/۰۱/۱۳۹۳).

ایشان در جمعی دیگر، از خانه‌داری با تعبیر «شغل آینده‌ساز» و از فرزندآوری با تعبیر «مجاهدت» یاد می‌کنند: «یکی از مهمترین وظایف زن، خانه‌داری است. همه می‌دانند؛ بنده عقیده ندارم به این که زن‌ها نباید در مشاغل اجتماعی و سیاسی کار کنند؛ نه، اشکالی ندارد؛ اما اگر چنانچه این به معنای این باشد که ما به خانه‌داری به چشم حقارت نگاه کنیم، این می‌شود گناه. خانه‌داری یک شغل است؛ شغل بزرگ، مهم، حساس، شغل آینده‌ساز. فرزندآوری یک مجاهدت بزرگ است» (بیانات در دیدار جمعی از مداحان، ۱۱/۰۲/۱۳۹۲).

مقام معظم رهبری در بیانات متعدد خود همواره بر اولویت خانواده تأکید کرده‌اند و با صراحت بیان می‌کنند که در مسئله‌ی زن، آنچه در درجه‌ی نخست اهمیت قرار دارد، «خانواده» است. البته ایشان این موضوع را به معنای نادیده گرفتن یا مخالفت با نقش اجتماعی زنان نمی‌دانند، بلکه معتقدند که نقش زن در خانواده، از همه‌ی نقش‌های دیگر او مهم‌تر و تأثیرگذارتر است. دیدگاه ایشان در این زمینه نشان‌دهنده‌ی نگاه متوازن اسلام به جایگاه زن است که در آن، خانواده به عنوان کانون اصلی تربیت و رشد جامعه، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ایشان با تأکید بر نقش مادری و همسری، به هیچ‌وجه قصد محدود کردن زنان به محیط خانه را ندارند، بلکه بر این باورند که این نقش‌ها، پایه‌ی اساسی برای شکل‌گیری جامعه‌ای سالم و پویا هستند. در عین حال، ایشان از حضور فعال زنان در عرصه‌های اجتماعی، علمی و فرهنگی حمایت می‌کنند، به شرط آن‌که این حضور به جایگاه و مسئولیت‌های اصلی آن‌ها در خانواده لطمه‌ای وارد نکند (بیانات در دیدار بانوان نخبه در آستانه سالروز میلاد حضرت زهرا (س)، ۱۳/۰۴/۱۳۸۶).

در جمعی دیگر، آیت‌الله خامنه‌ای تدبیر امور خانواده توسط زن را به منزله هنر وی معرفی می‌نمایند: «علت این‌که اسلام این قدر به نقش زن در خانواده اهمیت می‌دهد، همین است که زن اگر به خانواده پایبند شد، نسل‌ها در آن جامعه، بالنده و رشید خواهند شد. این هنر زن است و منافاتی با تحصیل و کار کردن ندارد» (بیانات در اجتماع زنان خوزستان، ۲۰/۱۲/۱۳۷۵).

مقام معظم رهبری، وظیفه زن در کانون خانواده را جزو مسئولیت‌هایی قلمداد می‌نمایند که صرفاً از عهده جنس زن برآمده و دیگران قادر به ایفای این نقش نیستند: «شما اگر بچه خودتان را در خانه تربیت نکردید، یا اگر تارهای فوق‌العاده ظریف عواطف او را با سرانگشتان خودتان باز نکردید تا دچار عقده [عاطفی] نشود، هیچ کس دیگر نمی‌تواند این کار را بکند؛ فقط کار مادر است؛ اما آن شغلی که بیرون دارید، اگر شما نکردید، ده نفر دیگر آنجا ایستاده‌اند و آن را انجام خواهند داد. بنابراین اولویت با کاری است که بدیل ندارد» (بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۴/۱۰/۱۳۹۰).

رهبری انقلاب در سخنانی دیگر، پرداختن به امور منزل را فطری‌ترین کارها برای زنان معرفی نموده و تأکید می‌کنند که این وظیفه با سایر وظایف زن هیچ منافاتی ندارد: «این‌که گفته می‌شود وجود زن برای کار در خانه لازم است، معنایش این نیست که در میدان‌های علمی و عملی، توانایی ندارد. یا از لحاظ معنویت که بالاتر از همه اینهاست و در مورد فاطمه زهرا(س)، همه اینها را مشاهده می‌کنیم. هر چند البته طبیعی‌ترین و فطری‌ترین کار برای زنان، کار در خانه است. یعنی مسأله اداره کردن همسر و فرزندان...» (بیانات در دیدار جمعی از خواهران متخصص رشته پزشکی و مامایی، ۰۸/۰۹/۱۳۷۲).

بنابراین می‌توان به طور خلاصه دیدگاه معظم‌له را چنین تقریر نمود که ایشان معتقدند برای زنان فعالیت و بالندگی اجتماعی، هیچ محذوری ندارد؛ لکن این فعالیت‌ها نباید طوری باشد که به وظیفه زنان در کانون خانواده آسیب برساند؛ به عبارتی اولویت زنان مطابق با تعالیم شریعت باید نهاد خانواده باشد: «خانم‌ها فعالیت اجتماعی‌شان را بکنند، منتها با حفظ جنبه خانه‌داری. البته من نمی‌گویم که همه زن‌ها باید خانه‌دار باشند؛ ممکن است خانم‌هایی باشند که در مسئولیت‌های مختلف اجتماعی به وجود آن‌ها نیاز شدید باشد، برای آنها شاید واجب عینی هم باشد...، اما این فراموش نشود که فعالیت اجتماعی، فعالیت سیاسی... نباید رقیب و مزاحم همسر بودن و مادر بودن باشد؛ زن با اخلاق انقلابی و اسلامی خودش می‌تواند سازنده مرد و سازنده نسل‌های آینده باشد» (بیانات در دیدار با گروهی از بانوان کشور، ۱۳۶۳/۱۲/۲۱).

نتیجه‌گیری

مطابق آنچه گذشت، در عصر حاضر نقش محوری زنان در پیشبرد و توسعه جوامع بر کسی پوشیده نیست. لذا توجه به ابعاد گوناگون مسائل زنان در راستای توانمندسازی ایشان، امری ضروری بوده و لازم است برای تحقق این امر تدابیر شایسته‌ای اندیشیده شود. در این راستا با توجه به به اهمیت مسئله، تحلیل آرای مقام معظم رهبری در زمینه توانمندسازی زنان و اقتضائات و بایسته‌های آن، اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. با عنایت به این امر نوشتار حاضر پس از استقصای فراگیر در بیانات معظم‌له در بازه‌های زمانی گوناگون، سه محور کلیدی را در باب لوازم و بایسته‌های توانمندسازی زنان، مورد شناسایی و استخراج قرار داد. اولین عنصر در این زمینه اجتناب از معیارها و شاخصه‌های فرهنگ غرب در باب زنان است. از نظر رهبری انقلاب، پذیرش شاخصه‌های غربی در مورد زنان مسلمان، موجب خسارات جبران‌ناپذیری برای جامعه و خاصه قشر بانوان خواهد گردید. معظم‌له معتقدند ترویج فرهنگ غرب موجب سستی بنیان خانواده‌ها شده و در خود کشورهای غربی که دم از تساوی حقوق زن و مرد می‌زنند آمار وحشتناکی از اعمال خشونت و سو استفاده از زن در محیط‌های مختلف وجود دارد؛ لذا اولین مؤلفه در این زمینه این است که بانوان مسلمان نباید تحت تأثیر فرهنگ خانمان‌برانداز و منحط غرب قرار گیرند. در مقابل، پیشنهادی که آیت‌الله خامنه‌ای فراروی زن مسلمان قرار می‌دهند، رجوع به آموزه‌های ناب دینی است که به عنوان مؤلفه مهم دیگر در توانمندسازی زنان در آرای ایشان مشاهده می‌شود. ایشان معتقدند در پرتو عمل به آموزه‌های متعالی و حیانی، زنان مسلمان خواهند توانست ضمن حفظ کرامت خود، به احیای حقوق از دست‌رفته خود نائل گشته و در ذیل آموزه‌های کرامت‌مدار اسلام به احیای شخصیت خود همت گمارند. در نظرگاه رهبری انقلاب، تشابه و یکسانی محض در باب حقوق زن و مرد، خود نوعی بی‌عدالتی بوده و پروردگار حکیم، با علم به ویژگی‌های روحی و جسمی هریک از جنس زن و مرد و متناسب با این ساختار، برای هریک حقوق و وظایفی تعیین نموده است؛ لذا نباید از وجود احکام متفاوت، شبهه تبعیض و نابرابری استشمام شود. مسئله دیگری که در راستای مسائل زنان در بیانات رهبری با بسامد بالا مشاهده می‌شود، اولویت‌بندی در مسائل زنان می‌باشد. زیرا اگرچه زنان نیمی از جمعیت جامعه را تشکیل داده و در کنار نیمه دیگر، با برعهده گرفتن نقش‌های متفاوت، ارتباطات اجتماعی را تکمیل و جامعه را در مسیر پیشرفت و تعالی به حرکت در می‌آورند؛ لکن بنظر می‌رسد در

منظومه معارف دینی، اولیوی که برای زنان در نظر گرفته شده است، تدبیر امور منزل و تقویت و تحکیم نهاد خانواده می‌باشد. معظم‌له در این زمینه معتقدند برای زنان فعالیت و بالندگی اجتماعی، هیچ محدودی ندارد؛ لکن در وهله اول پرداختن به کانون خانواده در اولویت بوده و فعالیت‌های اجتماعی زنان نباید طوری باشد که به وظیفه ایشان در کانون خانواده آسیب برساند.

فهرست منابع

- ابن اثیر، علی بن محمد (۱۴۲۴ق)، اسد الغابۀ، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، من لایحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- بندرگر، رضوان و همکاران (۱۳۹۹ش)، نقش آموزش زنان در حفظ محیط زیست، تهران: مطالعات طراحی شهری.
- بیهقی، احمد بن حسین (۱۴۲۴ق)، السنن الکبری، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۶ش)، زن در آیین‌های جمال و جلال، قم: مرکز نشر اسراء.
- حرّعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل‌البیت.
- حسن پور، اکبر و همکاران (۱۴۰۰ش)، شناسایی راه‌های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، تهران: فصلنامه رفاه اجتماعی.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۶۳ش)، بیانات در دیدار با گروهی از بانوان کشور.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۲ش)، بیانات در دیدار جمعی از خواهران متخصص رشته پزشکی و مامایی.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۴ش)، بیانات در دیدار جمعی از بانوان مسئول و متخصص و هنرمند کشور با رهبر انقلاب.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۵ش)، بیانات در اجتماع زنان خوزستان.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۶ش)، بیانات در دیدار جمعی از زنان.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۹ش)، بیانات در دیدار جمعی از بانوان.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۶ش)، بیانات در دیدار بانوان نخبه در آستانه سالروز میلاد حضرت زهرا(س).
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۹ش)، بیانات در دیدار جمعی از پرستاران نمونه کشور.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۰ش)، دیدار جمعی از بانوان نخبه با رهبر انقلاب.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۰ش)، بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی.

- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۱ش)، بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی زنان و بیداری اسلامی.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۱ش)، پیام به کنگره‌ی هفت هزار زن شهید کشور.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۲ش)، بیانات در دیدار جمعی از مداحان.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۲ش)، بیانات در دیدار جمعی از بانوان فرهیخته‌ی حوزوی و دانشگاهی.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۳ش)، بیانات در دیدار جمعی از بانوان برگزیده کشور.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۶ش)، بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۹ش)، بیانات در ارتباط تصویری با مداحان.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۴۰۱ش)، بیانات در دیدار اقشار مختلف بانوان.
- ریانی، علی (۱۳۵۸ش)، زن از دیدگاه اسلام، قم: نشر حجت.
- سبحانی، جعفر (۱۳۷۲ش)، فروغ ابدیت، اصفهان: دفتر تبلیغات اسلامی.
- شکوری، علی (۱۳۸۷ش)، سیاست‌های حمایتی و توانمندسازی زنان، تهران: مجله دانشکده ادبیات دانشگاه خوارزمی.
- صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶ق)، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، تهران: فرهنگ اسلامی.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۲ش)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: اسماعیلیان.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۵ق)، مجمع البیان، بیروت: مؤسسه‌الأعلمی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق)، المبسوط فی فقه الإمامیه، تهران: المكتبة المرتضویه.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۰ق)، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت: دارالکتاب العربی.
- طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فیض کاشانی، محمدمحسن (۱۴۰۶ق)، الوافی، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- کلدی، علیرضا؛ سلحشوری، پروانه (۱۳۹۱ش)، تأثیر حمایت اجتماعی بر توانمندسازی زنان، تهران: مطالعات توسعه اجتماعی.
- کیمیایی، سیدعلی (۱۳۹۰ش)، شیوه‌های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، تهران: نشریه رفاه اجتماعی.
- ماوردی، ابوالحسن علی بن محمد (۱۴۱۹ق)، الحاوی الکبیر، بیروت: دارالکتب العلمیه.

- متقی هندی، علی بن حسام‌الدین (۱۴۱۹ق)، کنز العمال، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- مجلسی دوم، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۱۰ق)، بحار الأنوار، بیروت: مؤسسه الطبع و النشر.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۷ش)، مجموعه آثار، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۱ش)، نظام حقوق زن در اسلام، تهران: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶ش)، پیام قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق)، جواهر الکلام، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل، بیروت: مؤسسه آل البيت.